

معبد ایننو

سند ساختمان معبد E-Ninnou

بنام رب النوع لاگاش Lagash بوسیله گودآ Godea

در بناهای عظیم نخستین کلنگ بدست شخص اول کشور زده میشود و غالباً لوحه‌ای یا کتیبه‌ای در زیر پی بنا میگذارند که تاریخی برای آیندگان باشد. اجرای این مراسم همواره با جشنی با شکوه توأم است و اگر درست بررسی شود می‌بینیم که این خود کرده‌ایست از مراسم کهن ملل باستانی.

نویسنده ضمن تحقیقاتی که نسبت بمسائل مذهبی مردم جنوب غربی ایران در دوران پیش از تاریخ اخیر بعمل آورده است برخوردار به شخصیت‌های سیاسی نموده که از نظر خوش آمد رب النوع و یاربه النوعی بخصوص مبادرت بساختن معابدی کرده‌اند و مدرک کتبی برای ساختمان از خود باقی گذاشته‌اند و چه بسا که خود سلطان نخستین سنگ و گل ساختمانی را روی سرودش خود گذاشته و پای کار آورده است. چنانکه در میان صدها مجسمه‌های نفیسی که فرانسویان از شوش کشف نموده‌اند پیکره‌هایی از سلاطین ایلام دیده شده که در حال حمل مصالح بنائی میباشند و یا آنکه مجسمه پادشاه با میخی سفالی که روی آن متنی بخط میخی نوشته است پیدا گردیده است. البته غرض اصلی این بوده که این نوع میخ‌ها را سلطان با دست خود در نقطه‌ای از معبد فرو کند. برای نمایاندن این فکر و این شیوه عالی اینک سند ساختمان معبد ایننورا که توسط گودآ Godea سلطان بابل در شهر لاگاش بنیان شده می‌آوریم.

لازم بتوضیح نیست که گودآ از سلاطین بسیار شایسته بابل بوده که در حدود ۲۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در حدود جنوب غربی ایران و بین النهرین فرمانروائی داشته است. با آنکه گودآ پادشاهی فاتح بوده شهرت او در امور مذهبی بیشتر است زیرا مؤمن و معتقد بامور مذهبی بوده است. از گودآ چندین مجسمه در شوش و بین النهرین بدست آمده است که جلگی زینت بخش موزه لوور پاریس میباشد. باستان‌شناسان، عصر گودآ را از نظر هنری و صنعتی بسیار مهم می‌شمارند و از دوران طلائی اعصار گذشته می‌دانند. اینک متن لوح خط میخی دار گودآ مربوط بساختن معبد ایننو:

«از وقتی که خورشید روی زمین تابیده است»

«قضا و قدر ثابت بوده»

«لاگاش رب الارباب از آغاز مورد پرستش قرار گرفت»

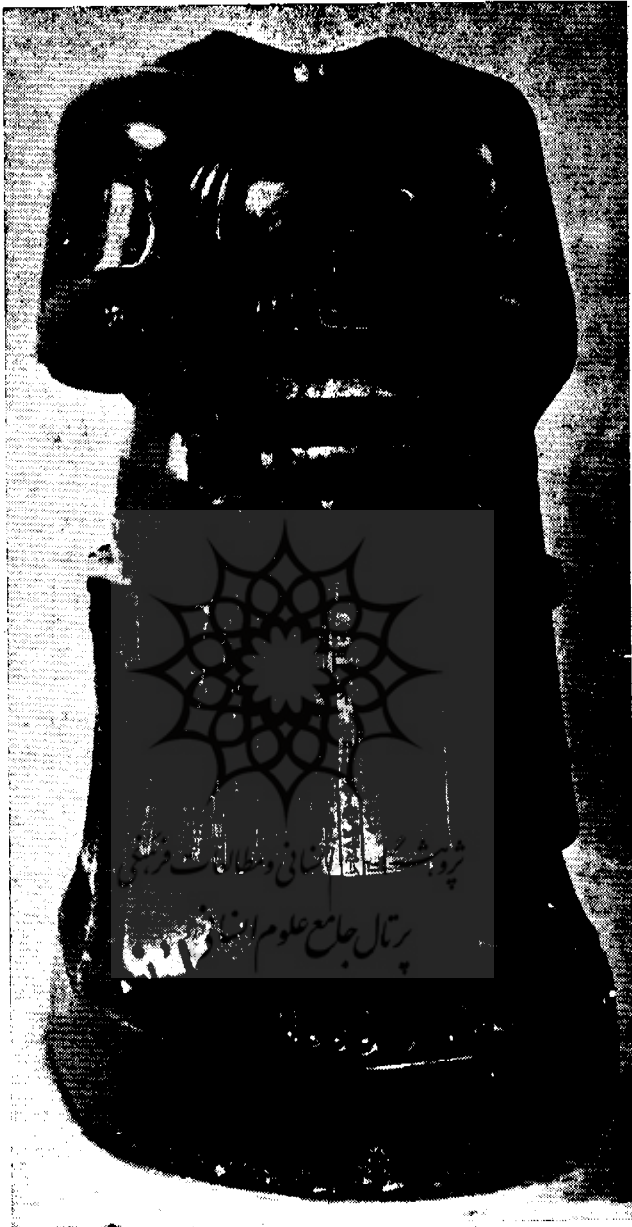
«انلیل Enlil به نین گیرسو Ningirsou توجه و عنایتی خاص نشان داد.»

«همچنین باطراف شهر نظر مرحمتی فرمود، هر چه کامل می‌بینید از او است»

«آبها را که در حرکت می‌بینید»

«متعلق به انلیل میباشد که در حرکت کند»

«آبهای عمیق را شفاف آفرید»



مجموعه گودآ

- « این رب النوع انلیل است »
 « که در دجله آبهای گوارا فراهم نموده است »
 « بخدمتگزار یک معبد شاهی »
 « دستور داد در آنینو- شیبستان معبد و دیوارهایش را بنیان کند »
 « سلطان شخص با هوشی است ، گوشش آماده شنیدن »
 « برای انواع موضوعات خوب میباشد »
 « او بشمر رساند »
 « گارها و بزهای اصیل و خوب را او آورده است »
 « نخستین سنگ بنیان را اولتند نمود »
 « برای ساختن یک معبد با شکوه »
 « او از خود حرارت نشان داد »
 « گودر آ روز و شب متوجه رب الارباب »
 « و بسوی مولا- نین گیر سو- توجه داشت »
 « از ساختمان معبد »
 « با او صحبت در میان نهاد »
 « درانی نو که دارای صحراهای وسیع است »
 « در آن موجودات را جای بداد »
 « گودر آ شخص پردلی است »
 « نفسی کشید و گفت : »
 « برویم ! من با وی حرف خواهم زد »
 « برویم ! من با وی سخن خواهم گفت »
 « با این عبارات من سخن خواهم گفت »
 « من چوبانی بیش نیستم »
 « مقام ریاست بعنوان هدیه بمن اعطا شده است »
 « در دل دشت بیک چیز برخورد کردم »
 « معنی آن را درک نکردم »
 « بمادرم که همواره حوادث مساعد برایم پیش بینی میکرد تفصیل را گفتم »
 « مادرم ربه النوع Nina نینا خواهر سیاراشوم Siara Shoum است »
 « موضوع را برایم روشن ساخت »
 « درون کشتی خود پای گذاشت »
 « بطرف شهر نینا Nina آنجا که ترعه نینا است کشتی را هدایت کرد »
 « از کانال جدید »
 « داخل کشور شده بجزکت خود ادامه داد »
 « معبد باگا Baga در ترعه جدید نزدیک آب واقع است »
 « از اقسام چیزهای خوب قربانی و اشیاء تازه نثار کرد »
 « شاه برای باگا Baga این ستایش را بعمل آورد »

- «ای جنگجو»
 «که حشمت موحش است»
 «که رقیبی برای نین گیرسو نیست»
 «ای کسی که در نیپور شاهزاده هستی»
 «ای جنگجو»
 «آنچه بمن دستور داده شده بود آنرا انجام دادم»
 «ای نین گیرسو!»
 «من معبدت را خواهم ساخت»
 «پاسخ و نظریه تو را من عملی خواهم ساخت»
 «خواهرت که زاده - قانونی اریدو Eridou است توانائی دارد»
 «ربه النوع نینا خواهر سیاراشوم توانا است»

(تسهیلات این اقدام مذهبی به گودآ الهام میشود و رب النوع از ستایش سلطان و هدیه های تین گیرسو اظهار خوشوقتی مینماید . آنگاه یاتزی (سلطان) به معبد میرود و اینگونه دعا میکند)

- «ای ملکه من»
 «کودک طیب و پاک آسمان»
 «توهستی که در مورد مصالح امور من نظر میدهی»
 «وسعت را در آسمان بوجود آورده ای»
 «توهستی که کشورها را مسکونی میسازی»
 «شخصی بلا تکلیف در کشورها میآفرینی»
 «بلکه شهر سیرپورلا Sirpourla آنکه این شهر را بنیان کرد توهستی»
 «نظر تو در سراسر کشور شگفتی ها بیارم آورد»
 «بر مرد مقدسی که مینگری عمرش دراز میشود»
 «من مادر ندارم»
 «مادرم توهستی»
 «من پدر ندارم»
 «پدرم توئی»
 «آنجا که پدرم نطفه مرا کاشت»
 «در آن جا که من ایام کودک کی خود را میگذراندم»
 «آن مادر من گاتوم دوگ Gatoumdoug»
 «تو که شب مرا حمایت میکنی»
 «تو که یک خنجر بزرگ بکف من میدهی»
 «تو که در روشنائی سوزان آفتاب»
 «نسیم حیات را بر میانگیزی»
 «صاحب مقام خدائی بزرگی تو میناشی»
 «من در سایه تو»

- «میتوانم ترا تکریم نمایم»
 «با عمل نیرومند تو»
 «ای ربه‌النوع گاتوم دوک بمن تعظیم کن»
 «من بسوی شهر خواهم رفت»
 «در کشور بزرگ در شهر نینا»
 «چارچی تو، جلو در حرکت است»
 «لاماسوی Lamosou خوب تو در راه همراه من است»
 «من با وی سخن خواهم گفت»
 «من میروم صحبت کنم»
 «بمادرم خوابم را میگویم»
 «با آنکه حوادث مساعد را همواره جهت من پیش گوئی میکنند»
 «بربه‌النوع نینا خواهر سیارا شوم میگویم»
 «که موضوع را برایم تشریح سازد»

- (به کودآ الهام میشود بدین جهت يك قربانی هدیه نموده سپس خوابش را بدین شرح برای ربه‌النوع نینا میگوید که او تمیز کند) ؛
- «بخواب مردی بدیدم»
 «شکلش مانند آسمان بود»
 «صورتش مانند زمین بود»
 «از تاج سرش فهیم رب‌النوعی است»
 «در پهلوی او برنده آلهی ایم گیگک limgig بود دیده میشد»
 «جلوی پایش صاعقه‌ای بود»
 «سمت راست و چپش يك حیوان غریب و عجیب خوابیده بود»
 «به من فرمان داد تا معبدی بسازم»
 «این شخص را نشناختم»
 «يك خورشید»
 «روی جهان بر آمد»
 «زنی»
 «در حالیکه بود و نبود»
 «روشنائی در بالا یدیدار شد»
 «. پائین»
 «لوح خوبی با خود داشت»
 «روی نقشه‌ای خطوطی ترسیم نمود»
 «در مرحله دوم مانند پهلوانی او را دیدم»
 «روی يك لوح لاجوردی خم شده بود»
 «روی لوح نقشه معبد را کشید»

- «قالب آن را جلوی من قرار داد»
 «قالب پاکی تهیه دید»
 «خشت قضا و تقدیر روی قالب دیده میشد»
 «سافری جلوی من گذاشته شده بود»
 «این ساغر را روز و شب يك پرندۀ تی بو Ti-Bo پر مینمود»
 «الاهی سمت راست رب النوع خفته بود»

تعبیر خواب :

- «مادرش نینا به پاتزی پاسخ داد»
 «ای کاهن من خوابت را تعبیر میکنم»
 «انسانی»
 «که شکلش مانند آسمانی بود»
 «که صورتش بمثابة زمین بود»
 «با وصفی که برای یوشش سرش نمودی»
 «یقیناً رب النوعی بوده است»
 «پرندۀ آسمانی که دیده‌ای ایم‌ژیک بوده است»
 «نزد خدا صاعقه وجود داشته است»
 «در راست و چپش هبولائی خوابیده بوده است»
 «آری آری این مرد برادر من نین گیرسو بوده است»
 «بتو فرمان داد که معبدش را بسازی»
 «خورشیدی که روی جهان بر آمده است»
 «این خدای تو نین گیرسو بوده که از زمین مانند خورشیدی بر آمده است»
- روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی
 (در ساختمان معبد)
- «ودینا! آنکه مانند پهلوانی»
 «راست روی لوح لاجوردی خوابیده بوده است»
 «نین‌دوب Nindoub بوده است»
 «نقشۀ معبد را او ترسیم میکرده است»
 «جلوی تو يك قالب قرار داد»
 «آنجا که قالب پاک و طیبی دیده‌ای»
 «رلوح قضا و قدر روی قالب دیده میشد»
 «این آجر مقدس ایننو E-ninau است»
 «سافری که در جلوت گذاشته شده بود»
 «پرندۀ ای که شب و روز آن را پر مینموده است»
 «این است که در حین ساختمان معبد دیگر خواب خوبی نخواهی دید»
 «الاهی که در سمت راست رب النوع خفته بود»

- «تویی که در اینیومانند خری نشسته‌ای»
 «بمناسبت وجود تو برای کار گرانت خیر و برکت بوجود خواهد آمد»
 «... برای رب‌الارباب خودت اراده‌ای حاضر نما»
 «يك الاغ قوی بدان به بند»
 «اراده را از سنگهای گران بها زینت کن»
 «از خدائی نیروی شهامت و جرأت بخواه و آن را زینت بده»
 «پرچی روی آن باهتر از در آور»
 «نامت را روی آن بنویس»
 «آلت موسیقی با آهستگی ملایم و مطبوع»
 «که اثر الهامی دارد بنواز»
 «مولای تو آقای نین گیر سو کوچکترین تمنیات تورا»
 «مانند امر مهمی بر خواهد آورد»
 «اربابی که مانند آسمان‌ها پریهنا است»
 «نین گیر سو پسر انلیل است»
 «که بتوعطف توجه خاص خواهد نمود»
 «نقشهٔ معبر را بتو ارائه خواهد داد»
 «پهلوانی است که اطاعت فرامین او موجب آمرزش من و اجر تو خواهد شد»

(آنچه بگودر آ تلقین شده بود او بدین تفصیل انجام میدهد که ابتدا بمعبد تشریف حاصل و پس از تقدیم هدایائی خدای خدایان را ستایش میکند . خداوند بدو میفهماند که تنها در بین بتدگان اوست که افتخار ساختن چنان معبدی را یافته است و سپس بدو اینگونه مژده داد) :

«از آسمان ابر باران زائی ظاهر خواهد شد که موجب وفور و فراوانی شود»
 «کشور پر از نعم الهی خواهد گردید»
 «مخصوصاً از زمانی که عملیات ساختمانی معبد آغاز گردد این فراوانی رو بتزاید خواهد گذاشت»
 «دشت محصول برای تو خواهد داد»
 «جریان آب بکناره‌های مسیر خود فشار وارد خواهد آورد»
 «آبهایی که هیچگاه از زیر زمین خارج نمیشوند استثناً جهت تو خارج خواهند گردید»
 «در کشور سومر روغن فراوان خواهد شد»
 «و کشور از محصول پنبه پر خواهد شد»

(پس از برگزاری مراسم عبادات در روز و مجالس و عظ هنگام شب و انعقاد مجالس یادبود در سراسر کشور بیکباره فعالیت ساختمانی شروع میشود تمام بکار میپردازند ایلامیان از ایلام ، شوشیان از شوش ، ماگان و ملوخوا از کوهستانات چوب برای بنیان معبد آوردند . اما گودر آ خودش هازم کوهستان رسد زار میشود که هیچکس بدان راه نیافته بود . مصالح فراوان که در لاگاش جمع شده بود عبارت بودند از چوب ، سنگهای مختلف ، سرس بیتوم (قیر طبیعی) مس ، سرب ، خاک طلا)
 « اکنون دیگر به تنهایی کارهای ساختمان را گودر آ انجام میدهد . »